

رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط زناشویی

دکتر طاهره قادری*

سمیه مردانی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۲/۲۴

چکیده

هدف اصلی این تحقیق بررسی تأثیر همسان همسری بر مطلوبیت روابط زناشویی است. جامعه آماری شامل تمام زنان و مردان متأهل دارای همسر ۱۸ سال به بالای شهر تهران است و روش نمونه گیری چند مرحله‌ای شامل نمونه گیری طبقه بندی شده، خوشه‌ای و در آخر تصادفی ساده است، حجم نمونه ۴۰۵ نفر است که از ۱۸ منطقه شهرداری شهر تهران انتخاب شده‌اند (۹ سلول شمال شهر، ۹ سلول مرکز شهر و ۹ سلول جنوب شهر). متغیر وابسته میزان مطلوبیت روابط زناشویی است که بوسیله تست *Enrich* (یکی از آزمون‌های معتبر در سنجش میزان مطلوبیت) سنجیده می‌شود. فرضیه همسان همسری سنی از نظریه کارلسون، همسان همسری تحصیلی از فرانسوا دوسینگلی، همسان

* استادیار جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

s.mardani.j@gmail.com

** کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

همسری مذهبی از بوسار و بل، همسان همسری طبقاتی از گرینبلت، همسان همسری شغلی از کالینز، همسان همسری درآمدی از نظریه مبادله، همسان همسری جغرافیایی از بوسارد، همسان همسری قومیتی از بوچانان و همسان همسری بر مبنای باورهای جنسیتی از کالینز گرفته شده است. (۱۰ فرضیه) تحقیق از نوع پیمایشی است و به تبع آن روش جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. یافته‌های تحقیق به ۳ دسته توصیفی (جداول یک بعدی)، تبیینی (جداول دو بعدی) و نظری (رابطه بین نظریه و فرضیه) دسته بندی شدند.

همسان همسری سنی با ۹۹/۹٪ تایید شد، یعنی هر چه همسان همسری سنی افزایش پیدا کند، مطلوبیت رابطه زناشویی هم افزایش می‌یابد. همسان همسری تحصیلی نیز با ۹۹/۹٪ مورد پذیرش قرار گرفت، پس افزایش آن با افزایش مطلوبیت رابطه زناشویی همراه است. همسان همسری مذهبی با ۹۹/۹٪ قابل قبول اعلام شد، پس افزایش آن با افزایش مطلوبیت رابطه زناشویی همراه است. همسان همسری طبقاتی با ۹۹٪ اطمینان پذیرفته شد، پس رابطه مثبت و مستقیمی با مطلوبیت رابطه زناشویی دارد. همسان همسری شغلی نیز با ۹۹/۷٪ پذیرفته شد، که به منزله این است که افزایش آن با افزایش مطلوبیت روابط زناشویی همراه است. همسان همسری درآمدی با ۹۵٪ اطمینان رد شد به این معنی که بین این نوع همسانی با مطلوبیت رابطه همسران ارتباطی وجود ندارد. همسان همسری سکونت با ۹۹/۹٪ اطمینان مورد پذیرش واقع شد، به عبارت دیگر با افزایش آن میزان مطلوبیت رابطه زناشویی هم افزایش پیدا می‌کند. همسان همسری قومیتی و باورهای جنسیتی نیز، هر دو با ۹۹/۹٪ تایید شدند. در آخر نیز مشخص شد که فرضیه همسان همسری (بصورت عام) با مطلوبیت رابطه زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد (۹۹/۹٪). R بدست آمده برابر است با ۰/۸۲۶، ضریب تعیین (R^2) نیز ۰/۶۸۲ و ضریب تعیین تصحیح شده^۱ نیز ۰/۶۷۵ است. طبق نتایج بدست آمده ۶۸٪ واریانس متغیر وابسته (میزان

مطلوبیت روابط زناشویی) توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود؛ ۳۲٪ باقیمانده نیز توسط عواملی است که در اینجا لحاظ نشده‌اند ولی تأثیر گذار بوده‌اند.

واژه‌های کلیدی: همسان همسری، مطلوبیت روابط زناشویی، همسان همسری

سنی، همسان همسری تحصیلی، همسان همسری قومی

مقدمه

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی، پایه و اساس ساخت اجتماع محسوب می‌شود. "خانواده شالوده هر جامعه متمدن است" (مور، ۱۳۷۶: ۲۹). فرد با نهاد خانواده بیش از هر نهاد اجتماعی دیگر پیوند دارد، در خانواده متولد می‌شود، در خانواده تربیت شده و سرانجام خود نیز تشکیل خانواده می‌دهد. خانواده، از نظرابعاد کوچکترین نهاد و از نظر اعتبار و اثربخشی والاترین و مهمترین نهاد اجتماعی است.

ازدواج بیش از پیوستن دو نفر است. ازدواج شامل الحاق دو خانواده و دو نوع سبک زندگی است. آورده‌های زوجین از خانواده اصلی شان و طبقه‌ای که در آن بزرگ می‌شوند و به ثمر می‌رسند، بخش مهمی از فرآیند انتخاب همسر و ازدواج آنان را تشکیل می‌دهد (مینوچین، ۱۳۷۵).

اکثریت قریب به اتفاق مردم حداقل یک بار در طول زندگیشان ازدواج می‌کنند. انتخاب یا عدم انتخاب یک فرد به عنوان همسر، یکی از مهمترین تصمیم‌هایی است که هر شخصی در طول زندگی می‌گیرد، زیرا فردی که به عنوان همسر انتخاب می‌شود، تأثیر زیادی بر سبک زندگی، نوع تجربیات و احساس خوشبختی شخص در طول زندگی دارد. (شل و همکاران، ۱۹۷۰؛ به نقل از رضا زاده، ۱۳۸۱: ۲).

انسان‌های سالم و رشد یافته در خانواده‌هایی سالم پرورش می‌یابند و آسیب‌های اجتماعی گوناگون از خانواده‌های ناسالم نشأت می‌گیرند. توجه به خانواده و آموزش آن راز و رمز سعادت و پیروزی جامعه است (به پژوه، ۱۳۷۴). قوام و دوام جامعه به خانواده بستگی دارد، هر قدر خانواده‌ها دچار تزلزل شوند سرنوشت جامعه در معرض

خطرها و مشکلات افزونتری خواهد بود (افروز، ۱۳۷۴). سرنخ تمام آسیب‌های اجتماعی را باید در خانواده جستجو کرد (ساروخانی، ۱۳۷۰ ب). سلامت هر جامعه با هر نظام ساختاری که دارد در گرو خانواده است و سلامت خانواده در گرو مجموعه‌ای از روابط و تعاملاتی است که در بین افراد یک خانواده وجود دارد (نوابی نژاد، ۱۳۷۴). اختلال در روابط خانواده منجر به اختلال در جامعه و روابط آن می‌شود. آگاهی خانواده موجب رشد و شناخت هرچه بیشتر جامعه می‌شود. فساد و گمراهی در خانواده، فساد، تباهی و نابودی جامعه را به همراه دارد. به همین دلیل و با توجه به اهمیت موضوع ضروری است که عواملی که در انتخاب همسر تأثیرگذار هستند و بطور مشخص همسان همسری، بررسی شوند. دیگر این که الگوی همسانی‌ها در طبقات گوناگون به چه صورت است و در آخر این که چه تأثیری بر مطلوبیت روابط زناشویی دارد، که نتیجه آنها بصورت راهکاری برای سازمان‌های متولی فرهنگ جهت ترویج و اشاعه عناصری با تأثیر مثبت بر مطلوبیت روابط خانوادگی ارائه شود.

طرح مسأله

در بین تمام نهادها، سازمان‌ها و تأسیسات اجتماعی، خانواده نقش و اهمیتی خاص و بسزا دارد. تمام آنان که در باب سازمان جامعه‌اندیشیده‌اند، همه مصلحین حتی رویاگرایان و آنان که به ناکجا آباد روی آورده‌اند، بر خانواده و اهمیت حیاتی آن برای جامعه تأکید ورزیده‌اند. بدرستی هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند، چنانچه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد، باز بی‌هیچ شبهه، هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده پدید آمده باشد.

بیشتر انسان‌ها در طول زندگی خود دست کم یکبار ازدواج می‌کنند. در انجام این عمل معیارها و ملاک‌هایی دخالت دارند که در فرهنگ‌های گوناگون و در شرایط گوناگون دچار دگرگونی می‌شوند (به ملاک‌های یاد شده معیارهای همسرگزینی اطلاق

می‌کنیم) نوع معیار، درجه اهمیت، اولویت‌بندی و میزان تبعیت از این ملاک‌ها در جوامع گوناگون یکسان نیست و اختلافات فاحشی ملاحظه می‌گردد، اگر چه می‌توان به موازات این تفاوت‌ها، شباهت‌ها و اشتراکاتی در این گونه معیارها دسته‌بندی نمود.

شرایط اجتماعی، تحصیلی، طبقاتی، جغرافیائی و ... هر یک به گونه‌ای گزینش همسر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. "چنانچه بپذیریم هر طبقه اجتماعی خرده فرهنگی خاص دارد، به حکم قیاس می‌توان فرض کرد که اعضای طبقات گوناگون شخصیتی کم و بیش نوعی و متمایز داشته باشند. زیرا شخصیت فرد بیانگر ارزش‌ها و رفتاری متناسب با خرده فرهنگی است که به آن تعلق دارد" (تأمین، ۱۳۷۳: ۱۳۱). پس دو فردی که متعلق به دو طبقه گوناگون هستند، خرده فرهنگ‌های متفاوتی دارند، بنابراین به دلیل اختلاف در عقاید، رفتارها، نگرش‌ها، انتظارات و ... امکان داشتن زندگی بدون دغدغه و آرام برای این دو فرد امری است که به سختی امکان‌پذیر می‌نماید.

در کنار این مسائل، در عصر حاضر عملاً هیچ خانواده‌ای را نمی‌توان یافت که کاملاً در توافق کامل بسر برد. میزانی از اختلاف - اعم از اختلاف در عقیده، رفتار، نگرش و ... - ویژگی هر زندگی است، اما زمانی که این میزان از کنترل و نظارت زن و شوهر خارج شود به مرحله‌ای کشیده می‌شود که زوجین بی‌میل به زندگی مشترک خویش شده و به اصطلاح نارضایتی از زندگی خانوادگی اتفاق می‌افتد.

در این مقاله همانگونه که از عنوان آن برمی‌آید، یعنی "بررسی میزان همسان همسری در طبقات گوناگون و تأثیر آن بر مطلوبیت روابط زناشویی"، در پی این هستیم که مشخص کنیم آیا همسان همسری بر مطلوبیت روابط زناشویی تأثیر دارد یا خیر؟ کدامیک از وجوه گوناگون همسان همسری در هر یک از طبقات (بالا، متوسط و پایین) بیشتر دیده می‌شود؟ آیا مطلوبیت روابط زناشویی در طبقات گوناگون متفاوت است؟ و اگر «بلی» کدام طبقه روابط مطلوب‌تری دارند؟

سؤالات اصلی تحقیق

سؤالات اکتشافی:

۱. آیا میزان همسان همسری در طبقات گوناگون متفاوت است؟
۲. آیا مطلوبیت روابط زناشویی در طبقات گوناگون متفاوت است؟
۳. کدام وجه از همسان همسری در هر یک از طبقات گوناگون سه گانه بیشتر است؟

سؤالات تبیینی:

۴. تأثیر همسان همسری بر مطلوبیت روابط زناشویی چقدر است؟
۵. تأثیر هر یک از وجوه همسان همسری بر مطلوبیت روابط زناشویی چقدر است؟

چارچوب نظری

همسان همسری ازدواج افرادی است که دارای ویژگی‌های مشابه فیزیکی، روانشناختی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی هستند (Bhushan, ۱۹۹۲)؛ به نقل از عاشوری، ۱۳۷۴: ۱۲۷).

در دایره‌المعارف علوم اجتماعی آمده است: "همسان همسری" یا "همسان همسرگزینی" در برابر "ناهمسان همسری" به معنای گزینش همسر از بین آنانی است که تشابه یا سنخیت بیشتری با فرد دارند (ساروخانی: ۱۳۷۰ الف). همسانی میان دو فرد نه تنها آنان را بسوی یکدیگر جذب می‌کند، بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. به سخن دیگر به نظر می‌رسد ناهمسانی میان دو همسر سرچشمه کشمکش‌های خانوادگی است.

اشکال گوناگون همسان همسری:

۱- همسان همسری سنی: کارلسون بیان می‌دارد: "چون انتظارات و شیوه نگرش افراد در سنین گوناگون فرق می‌کند و افرادی که دارای سن متفاوت هستند، در فرهنگ و اندیشه‌شان نیز تفاوت وجود دارد، پس تفاوت وسیع سنی با خود تفاوت‌های وسیع فرهنگ و جهان‌بینی را به همراه خواهد آورد و بر بقای زوجیت و سعادت زناشویی تأثیر خواهد گذارد" (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۳). طبق برآیندی از نظریه‌های مربوط به این بخش، بهترین فاصله سنی ۲ تا ۵ سال است.

۲- همسان همسری جغرافیایی: ۲ نوع مجاورت را می‌توان از یکدیگر تمیز داد: الف- مجاورت سکنايي: جیمز بوسارد معتقد است که تمایل افراد به انتخاب همسر از میان کسانی است که به لحاظ جغرافیایی در نزدیکی و دسترس آنها زندگی می‌کنند (شهابی، ۱۳۷۲: ۵۲).

ب- مجاورت سازمانی: حضور در دانشکده، دانشگاه، اداره، شرکت و هر جای دیگر که اعضای یک سازمان در تماس مستمر با همدیگر باشند ممکن است نهایتاً منجر به ازدواج گردد. خلاصه این که مفروض اصلی نظریه همجواری این است که فاصله مکانی از این جهت برانتخاب همسر تأثیر می‌گذارد که امکان آشنایی و دیدار افراد را فراهم می‌کند؛ از سوی دیگر احتمالاً قرابت مکانی معرف تشابه طبقاتی هم هست، زیرا آنها که نزدیک هم زندگی می‌کنند ممکن است از یک طبقه باشند (Blood, ۱۹۷۲: ۳۱۷).

۳- همسان همسری طبقاتی: والر^۱ معتقد است که مهمترین واقعه در امر همسرگزینی، گرایش افراد بسوی وصلت‌های اجتماعاً همسان است (Waller, ۱۹۳۰) به نقل از ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۹). گرینبلت^۲ معتقد است که طبقه و قشری که فرد به آن تعلق دارد از عوامل تعیین کننده انتخاب همسر است. طبقه عاملی است که حدود انتخاب همسر را به میزان زیادی تعیین می‌کند. برای مثال یکی از دلایل این که چرا

۱. Waller

۲. Greenblat

طرفین ازدواج یا نامزدها ارزش‌ها و عقاید یکسان بسیاری دارند بدون شک این است که از طبقه اجتماعی یکسانی برخاسته‌اند (Greenblat, ۱۹۷۷: ۵۲۱).

۴- همسان همسری مذهبی: "بوسار" و "بل" معتقدند که "زناشویی میان زن و مردی که مذاهب گوناگونی دارند به دشواری‌های شخصی و خانوادگی گوناگون می‌انجامد، زیرا باورهای مذهبی همیشه و در همه جا سرچشمه بنیادین تلقیات جمعی بوده‌اند، و البته این تلقیات خود نمودار و نمایشگر اخلاقیات یک قوم درباره زن و مرد است و جالب اینجاست که این نبود هماهنگی و همفکری با پیشرفت زندگی زناشویی افزایش می‌یابد" (ساروخانی، ۱۳۷۰ ب: ۶۴). بر اساس مطالعاتی که بر روی ازدواج ناهمسان و همسان از لحاظ مذهبی صورت گرفته، معلوم شده است که بیشتر ازدواج‌های بین مذهبی با شکست روبرو شده‌اند و میزان طلاق در این گونه ازدواج‌ها بیشتر از ازدواج‌های همسان بوده است (شهابی، ۱۳۷۲: ۵۵).

۵- همسان همسری قومی: اشاره به تشابه و همسانی قومی همسران دارد. طبق نظر بوچانان همسرانی که به یک قومیت واحد مثلا ترک یا فارس یا ... تعلق دارند، از نظر قومی همسان‌اند. اگر قومیت زن فارس و قومیت شوهر ترک، ... (غیر از فارس) باشد، آن دو از نظر قومی ناهمسان‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰ ب: ۴۷).

۶- همسان همسری تحصیلاتی: استوارت^۱ معتقد است که میان پرورش و فرد و آنچه که از همسر او انتظار می‌رود نوعی تناسب منطقی وجود دارد. معمولاً تفاهمی که افراد در برنامه‌ریزی‌هایشان، تصمیم‌گیری‌ها و فهم متقابل کلامی از یکدیگر دارند، ارتباط مستقیمی با میزان تحصیلاتشان دارد. اگر طرفین نتوانند نظریات و مقاصد خود را آنطور که باید با یکدیگر مطرح و نتیجه‌گیری کنند، گفته‌ها و اظهار نظرهای هر کدام مورد نقد و نفی دیگری قرار می‌گیرد و هر کدام با تکیه بر معلومات خویش نظر دیگری را نمی‌پذیرند. طبق آراء بیشتر صاحب‌نظران اختلاف تا یک مقطع

۱. J.R.Stuart

تحصیلی مطلوب شمرده شده و به میزان افزایش در آن از مطلوبیت آن نیز کاسته می‌شود برای مثال: دیپلم و لیسانس، فوق لیسانس و دکترا؛ ولی سیکل و لیسانس دارای اختلاف مقطع بالایی هستند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۶۱).

۷- همسان همسری درآمدی: نظریه مبادله به این مطلب اشاره دارد که به لحاظ شاغل بودن و کسب درآمد، مرد نان‌آور خانواده به حساب می‌آید و درآمد قدرت پاداش دهنده‌گی برای وی دارد. اگر زن از این قدرت بی‌بهره باشد و در جریان مبادله که همسرش ارزش مبادله بیشتری را به او ارزانی می‌کند، نتواند پاداش مشابهی را به طرف مقابلش بپردازد در یک معادله نابرابر قرار می‌گیرد و بدلیل پاداش بیشتری که دریافت می‌دارد، مجبور است مطیع و فرمانبردار مرد باشد و در صورتی که این اطاعت با روحیات وی سازگاری نداشته باشد دچار اختلاف با همسرش می‌گردد و متقابلاً اگر مرد این روحیه همفکری و همکاری در همسرش را نپذیرد می‌تواند پاداش اقتصادی را قطع نماید تا همسرش بیش از پیش به او وابسته شود و مجبور به اطاعت از وی شود، که در این صورت باز هم از مطلوبیت روابط شان کاسته می‌شود.

پس در صورتی که زنان شاغل باشند و به تبع آن درآمد کسب نمایند، قدرت پاداش دهنده‌گی آنها با مردان خانواده تا حدی به هم نزدیک می‌شود و در این شرایط نقش اقتصادی همگونی را در خانواده خواهند داشت و نتیجه آن این است که درآمد زن موجب کاهش قدرت شوهر و برابری زوجین در تصمیم‌گیری هاست (میشل، ۱۳۴۰: ۱۷۹).

۸- همسان همسری شغلی: کالینز در بحث خود از شرایط برابری در بازار کار عنوان می‌کند، زمانی استفاده شخصی از فشارها (قدرت و زور) محدود می‌شود که یک بازار کار با شرایط برابری جنسی و برخوردار از منابع شخصی به وجود آید، در چنین شرایطی زنان می‌توانند از برابری جنسی یا از سایر منابع مثل زمینه خانوادگی دانش، مهارت های اجتماعی یا حرفه‌ای و مالکیت برای چانه‌زنی بر سر منزلت پاداش ها و مشارکت اجتماعی و موقعیت اجتماعی استفاده کنند (Matras,

۸۱: ۱۹۸۴). از نظر وی زمانی که یک جنس منابع مادی را کنترل کند این جنس توان بهره‌گیری از این قدرت برای تسلط بر جنس مخالف را دارد (Collins, ۱۹۷۵: ۲۳). یکی از عوامل برتری مردان بر زنان، حضور مردان در حوزه عمومی است که مزایایی چون فرصت رشد و منزلت را در پی دارد. استدلال این است که حوزه عمومی حوزه کار و فعالیت و کنش متقابل با دیگر بازیگران نقش‌های اجتماعی است که در بیرون از چهاردیواری منزلت عینیت می‌یابد. در صورتی که زنان هم مثل مردان فرصت حضور در حوزه عمومی را داشته باشند و از تجربه محیط بیرونی و عمومی برخوردار گردند، هم وابستگی زنان به واسطه کسب درآمد به مردان کم می‌شود و هم از توانمندی‌های دنیای مردانه برخوردار خواهند شد؛ این توانمندی‌ها بر قدرت چانه‌زنی آنها در خانواده اثر می‌گذارد (collins, ۱۹۷۵: ۲۴۰-۲۵۰).

۹- همسانی باورهای جنسیتی: کالینز در این نظریه ۲ نوع باور جنسیتی را از هم تفکیک می‌کند، یکی باور جنسیتی مساوات طلبانه که در آن به حقوق برابر زن و مرد اشاره شده است و دیگری باور جنسیتی سنتی که در آن بر برتری حقوق مرد نسبت به زن تأکید شده است. باور جنسیتی مدنظر کالینز نیز به این صورت بر روابط زناشویی اثر می‌گذارد که در خانواده‌هایی که زن یا مرد اعتقاد به برابری زوجین داشته باشند و دیگری دیدگاه سنتی را بپذیرد روابط رضایت‌بخش نخواهد بود (کالینز به نقل از خون چمن، ۱۳۷۷: ۶۸).

به نظر بوث و جانسون^۱ "هر چه تحصیلات بالاتر باشد باور جنسیتی مساوات طلبانه‌تر خواهد بود. همچنین زنان شاغل از باور مساوات طلبانه‌تری نسبت به سایر زنان برخوردارند. ضمناً طبقات پایین نسبت به سایر طبقات بیشتر از باور سنتی پیروی می‌کنند" (Booth and Johnson, ۱۹۸۴: ۳۶۷-۳۸۰).

از این نظریه چنین استنباط می‌شود که:

۱. Booth and Johnson

الف. به نظر می‌رسد باور جنسیتی طبقات گوناگون متفاوت می‌باشد. به این دلیل که طبقات پایین بیشتر از باور سنتی تبعیت می‌کنند. این نظریه تا حدی قابل قبول می‌نماید به این دلیل که زنان در طبقات پایین از تحصیلات کمی برخوردارند، همچنین بعضاً فاقد شغل و درآمد هستند و اگر هم باشند مشاغل بسیار پایین با درآمد بخور و نمیر را احراز کرده‌اند؛ پس فاقد پاداش اقتصادی - اجتماعی هستند و از همسری که دارای چنین امتیازاتی است تبعیت کرده و تصمیم‌گیری در مورد تمام امور را به او واگذار می‌کنند.

ب. به نظر می‌رسد که باور جنسیتی بر مطلوبیت روابط زناشویی تأثیر می‌گذارد، به این دلیل که همانطور که بیان شد اگر مرد، روحیه مردسالاری داشته باشد و زن چنین دیدگاهی را نپذیرد در مورد تصمیم‌گیری، رتق و فتق امور، تربیت بچه‌ها، خرید منزل و حتی رفتن به مهمانی و مسافرت‌ها دچار اختلاف بر سر این می‌شوند که چه کسی حرف آخر را بزند و نظر چه کسی را بپذیرند و آشکار است که این چنین زندگی نمی‌تواند توأم با رضایت و مطلوبیت باشد.

با قبول ۲ فرض بالا و ترکیب آن دو به این مطلب می‌رسیم، که اگر ۱- باور جنسیتی در طبقات گوناگون متفاوت باشد و ۲- این باور بر روی روابط زناشویی تأثیرگذار باشد، پس:

ج. مطلوبیت روابط زن و شوهر در طبقات گوناگون با هم متفاوت است، زیرا اگر طبقات پایین هر دو الگوی سنتی را بپذیرند (از باور جنسیتی یکسانی برخوردار باشند) در این مورد روابط مطلوبی دارند و دچار مشکل نمی‌شوند. طبق تجربه، طبقات بالا هم الگوی رادیکال را پذیرفته و مشکل‌چندانی با یکدیگر ندارند، اما در طبقات متوسط که حدفاصل این ۲ طبقه‌اند و امکان ازدواج شان با هر یک از طبقات وجود دارد، امکان این که باوری متفاوت از یکدیگر داشته باشند وجود دارد؛ پس نوع رابطه‌شان متفاوت از دیگر طبقات است.

مطلوبیت روابط زناشویی:

مطلوبیت به معنی خاص واجد ابعاد روانی - اجتماعی است و عبارت از توانایی لذت بردن از روابط بین فردی پاداش برانگیز و کار کردن به گونه‌ای است که هدف های مشخص حالت تعادل می‌یابند. ازدواج و زندگی زناشویی مستلزم وجود سطح پایداری از سازگاری از جانب زوج‌هاست و احساس رضایت از ازدواج، نقش مهمی در میزان کارکردهای بهنجار خانواده‌ایفا می‌کند.

الیس^۱ می‌نویسد: راه های گوناگونی برای تعریف مطلوبیت روابط زناشویی وجود دارد که یکی از مهمترین تعاریف توسط هاکنیز انجام گرفته است. وی رضایت زناشویی را چنین تعریف می‌کند: "احساسات عینی خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده از طرف همسر با در نظر گرفتن همه جنبه‌های زندگی زناشویی" (Ellis, ۱۹۸۹: ۵۵).

از دید میلر^۲ مطلوبیت روابط زناشویی چنین تعریف می‌شود: "الف) توافق زن و شوهر در مورد اموری که ممکن است مسائل حادی به بار آورند؛ ب) علایق و فعالیت‌های مشترک؛ ج) ابراز علاقه علنی مکرر و اعتماد متقابل؛ د) شکوه و شکایت اندک؛ ه) شکایت نادر از احساس تنهایی، سیه‌بختی، رنجش و ... " (میلر، ۱۳۸۰: ۵۵۷).

اولسون می‌نویسد: "دو زمینه کلی رضایتمندی که با یکدیگر تداخل دارند و وابسته به یکدیگرند عبارتند از: رضایت افراد از ازدواجشان، رضایت از زندگی بطور کلی. وی رضایت افراد از ازدواجشان را زمینه ساز و هسته اصلی رضایت از زندگی می‌داند. به عبارتی می‌توان گفت سلامت جامعه و خانواده را در گرو رضایت افراد از ازدواجشان می‌داند" (Olson, ۱۹۸۹: ۹۱۵).

در مورد سنجش این متغیر تستی بنام سازگاری زناشویی^۳ بوسیله جسی برنارد، ژ. هامپلتون، بورگس، کوتزل، ترمان، اورن، ژ. کارلسون، بورگس ووالن، کیرک پاتریک،

۱. Ellis

۲. Miller

۳. Marital adjustment

بلیزر و وینچ^۱ انجام گرفته است، که از آن با کمی دخل و تصرف (انطباق با جامعه خودمان) در این پژوهش استفاده شده است (میشل، ۱۳۴۰: ۱۹۰). شاخص‌های بکار گرفته شده در سنجش این متغیر عبارتند از: استمرار و دوام ازدواج، خوشبختی، رضایت عمومی از ازدواج، رضایت خاص از بعضی از جنبه‌های زندگی زناشویی، عشق نسبت به همسر، رضایت جنسی، رفاقت و توافق شخصیت‌ها و منش‌ها (میشل، ۱۳۴۰: ۱۹۱).

پایگاه طبقاتی:

به پیروی از بحث‌های مکتب ساختاری-کارکردی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی افراد که بر مبنای جای آنها در خرده نظام مشاغل تعیین می‌شود با طبقه آنها مترادف گرفته شده است و در این تحقیق نیز جهت تعریف طبقه و پایگاه اقتصادی-اجتماعی از تحلیل‌های همان مکتب استفاده می‌شود.

جامعه‌شناسان درآمد، شغل و تحصیلات را ملاک منزلت و پایگاه طبقاتی افراد در نظر می‌گیرند (لیپست، هاج و سایگل، ۱۳۸۱: ۷۱). این عوامل به منزله مزایای اجتماعی هستند که افراد به واسطه دارا بودن آنها بر دیگران برتری خواهند داشت. خانواده با تکیه بر پایگاه اجتماعی خود می‌تواند بطور بالقوه منابعی را در اختیار فرزندش قرار دهد و او را از مزایای اجتماعی بهره‌مند سازد.

خانواده از طریق انتقال میراث مادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین به عاملی در حفظ نابرابری‌های اجتماعی و فرهنگی بدل می‌شود، در متن این نابرابری‌ها استمرار می‌یابد و به آنها استمرار می‌بخشد. (سگالن، ۱۳۷۰: ۳۲۴). به اعتقاد لوئیس روسل^۲ "زوجین به هنگام ازدواج هدایایی دریافت می‌کنند که میزان آن بنا بر طبقه اجتماعی و حرفه‌ای والدین آنها متفاوت است" (سگالن، ۱۳۷۰: ۳۰۶).

۱. J. Bernard, G. Hamilton, Burgess, Cottrell, Terman, Oden, Karlsson, Wallin, Kirkpatrick, Blazzer, R. Winch

۲. Rousset

حال اگر جریان انتقال سرمایه‌های مادی به نسبت مساوی به زن و مرد در خانواده اختصاص یابد، به دلیل وجود منابع مشابه، قدرت در خانواده بصورت عادلانه‌تری توزیع می‌گردد، اما این وضعیت در صورتی احتمالاً وجود خواهد داشت که سطوح حرفه‌ای و تحصیلی والدین زوجین شبیه به هم باشد. در صورتی که پایگاه طبقاتی والدین زوجین با هم فرق داشته باشند میزان کمک‌ها و هدایا هم به فرزندان آنها تفاوت دارد. در این حالت قدرت در خانواده به نفع کسی که منابع بیشتری در اختیار دارد افزایش می‌یابد، پس تصمیم‌گیری در تمام امور در اختیار وی است. در این صورت از رضایت و مطلوبیت روابط آنها کاسته می‌شود و فردی که این قدرت را ندارد احساس اجحاف و کمبود می‌کند.

پیربوردیو و ژان کلود پاسرون^۱ دریافتند که: "احتمال این که پسر یک مدیر عالی‌رتبه به دانشگاه برود ۸۰ برابر پسر یک کارگر کشاورز و ۴۰ برابر پسر یک کارگر صنعتی است و ۲ برابر پسر شخصی در رده میانی مدیریت بوده است" (سگالن، ۱۳۷۰: ۳۲۶).

ریمون بودون^۲ در اثر خود بنام نابرابری فرصت‌ها می‌نویسد: "به نظر می‌رسد که فرصت‌های نابرابر با ماهیت تحصیلی و اجتماعی حرفه‌ای تنها اشکال نابرابری هستند که بطور جدی تحت تأثیر رشد جوامع صنعتی قرار نگرفته‌اند" (سگالن، ۱۳۷۰: ۳۲۸). با توجه به این که تحقیقات بسیار کمی به بررسی رابطه همسان همسری و طبقات پرداخته‌اند، شواهد و مدارک اندکی در پاسخ و تکمیل این سؤال که "میزان همسان همسری در طبقات گوناگون چقدر است"، وجود دارد. "طبقات بالا به منظور حفظ موقعیت مطلوب اعضای شان بر ازدواج درون طبقه‌ای تأکید دارند" (لیپست و ...، ۱۳۸۱: ۱۴۱).

۱. Bourdieu and Passeron
۲. Boudon

در این زمینه آلن دروزیر^۱ معتقد است: "ازدواج با همتایان اجتماعی به ویژه در میان طبقات بالا در یکطرف، و طبقات پایین‌تر جامعه در طرف دیگر، بسیار رایج است در حالی که گرایش به آن در قشر متوسط جامعه کمتر است" (سگالن، ۱۳۷۰: ۱۷۰).

باقر ساروخانی نیز می‌نویسد که طبقات بالا و پایین بیش از طبقه متوسط گرایش به همسان همسری دارند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ب: ۱۱۷). طبقه متوسط از یکسو به طبقه پایین و از سوی دیگر به طبقه بالا نزدیک است و فرد آزادی بیشتری دارد تا از هر دو طبقه به انتخاب دست بزند پس همسان همسری در بین این طبقه کمتر از دیگر طبقات است که دو رده فاصله دارند.

در خصوص مطلوبیت روابط زناشویی نیز باید گفت که با توجه به نظریه‌های علیت اجتماعی - که به کمبود تجارب اقتصادی مثبت در طبقات اجتماعی پایین اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که این امر منجر به افزایش تأثیر نامطلوب روانی این ناکامی‌های اقتصادی در طبقات پایین می‌شود - و نظریه انتخاب اجتماعی که مبین تأثیرگذاری جدی مشکلات روانی بر موقعیت اجتماعی و نیل به سقوط است و الگوی کوهن^۲ که تلفیقی از یافته‌های بالا است (کوکرین، ۱۳۷۶: ۴۲-۴۴)، به نظر می‌رسد که مطلوبیت روابط زناشویی در طبقات پایین کمتر از سایر طبقات است زیرا این طبقات به علت فقر اقتصادی و همچنین مشکلات و ناراحتی‌های روانی که برای این طبقه وجود دارد، زمان و انرژی کمتری دارند که صرف بهبود روابط شان کنند.

در این رابطه و در کنار عوامل ذکر شده لیوی و فریدمن^۳ هم سه عامل ناامنی اقتصادی، وابستگی به کار و رقابت را جزء عوامل مؤثر بر بروز فشارهای روانی می‌دانند:

الف- ناامنی اقتصادی: ثابت شده است که احساس ناامنی اقتصادی می‌تواند ناامنی‌های روانشناسی عمیق‌تری را ایجاد کند. فقر، مشکلات مالی و ناتوانی دائمی در

۱. Alain Desrosieres

۲. Kohn

۳. Leavy and Freedman

پیدا کردن کار با ناهنجاری‌های عصبی درهم تنیده‌اند. همین ناهنجاری‌ها بر روی اعصاب پدر خانواده تأثیر منفی گذاشته و رابطه وی را با همسر و فرزندانش دچار مشکل ساخته و از مطلوبیت روابط آنها می‌کاهد.

ب - کار: کار نکردن (پیدا نکردن کار) در جامعه‌ای که تقریباً همه کار می‌کنند خودش به تنهایی کافی است تا احساس گناه و افسردگی برانگیخته شود و فرد دچار احساس بی‌کفایتی شود. چنین فردی بدلیل این که عزت نفس و اعتماد به نفسش تضعیف شده است نمی‌تواند تکیه‌گاه خوبی برای همسرش باشد. پس در این مورد هم شاهد کاهش مطلوبیت روابط زناشویی در طبقات پایین اجتماعی هستیم.

ج - رقابت و نزاع بر سر پرستیژ: رقابت بر سر پاداش اقتصادی و پرستیژی منجر به نزاع عصبی می‌شود و فرد فقط بدنبال کسب امتیازات بالاتر و موقعیت‌های اجتماعی برتر است و اگر نتواند به این امتیازات برسد (که در مورد طبقات پایین جامعه بیشتر مصداق دارد) و یا در راه رسیدن دچار مشکلات فراوانی شود احساس ناکامی و شکست و حقارت می‌کند و در این مورد هم دچار مشکلاتی با همسر خود می‌شود که از مطلوبیت روابط آنها می‌کاهد (ریزمن و...، ۱۳۸۳: ۲۱۳ - ۲۰۵).

رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط زناشویی:

اکرمن^۱ معتقد است زمانی که همسان همسری، جای خود را به ناهمسان همسری دهد، همسرگزینی جور یا متناسب^۲ صورت نمی‌پذیرد، و از آنجا که سازش فکری وجود ندارند، عواطف آنها نیز رو به سردی می‌گذارد و روابطی که بر پایه تعادل پیوسته شکل یافته بود جای خود را به روابطی بر پایه تعامل گسسته می‌دهد. به عقیده وی، «هنگامی که دو همسر همسوگرا» هستند، یعنی همانند یا مکمل یکدیگرند، رفتار و انتظارات هر دو تحت تأثیر مجموعه‌های ارزشی و هنجاری مشابه قرار می‌گیرد

۱. Ackerman

۲. Assortative mating

(ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۳۰).

کارلسون می‌گوید: "چون انتظارات و شیوه نگرش افراد در سنین گوناگون فرق می‌کند و افرادی که دارای سن متفاوت هستند، در فرهنگ و اندیشه‌شان نیز تفاوت وجود دارد، پس تفاوت وسیع سنی با خود تفاوت‌های وسیع فرهنگ و جهان‌بینی را به همراه خواهد آورد و بر بقای زوجیت و سعادت زناشویی تأثیر خواهد گذارد" (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۳).

"مطالعه‌ای که پیرامون جمعیت ساکن نانت انجام گرفته توانسته است همبستگی بین سطح تحصیلات و مطلوبیت روابط زناشویی زن و شوهر را نشان داده و آشکار سازد که وجود «همبستگی نزدیکتر» به ازدواجی «مطلوب‌تر» منجر شده است. یافته‌های مطالعات نانت نتایج کسب شده برای تمام فرانسه و نیز یافته‌هایی را تأیید می‌کنند که از بررسی‌های آمریکایی حاصل آمده‌اند" (سگالن، ۱۳۷۰: ۱۷۰).

قرابت مکانی عامل بسیار مؤثری در توسعه روابط اجتماعی است و اهمیت اجتماعی آن در این است که موجب افزایش تعاملات اجتماعی پیش‌بینی نشده میان غریبه‌ها و آشنایان می‌شود و بدین ترتیب موقعیت‌ها را برای کنش‌های متقابل و فعل و انفعالات اجتماعی آماده‌تر می‌سازد. از سوی دیگر قرابت مکانی، معرف تشابه طبقاتی هم هست، زیرا آنها که نزدیک هم زندگی می‌کنند به احتمال قوی از یک طبقه هستند. مجاورت محل زندگی، همگونی در سایر ویژگی‌های فرهنگی از جمله آداب و رسوم را نیز تا حدی بدنبال دارد و کسانی که از نظر جغرافیایی به هم نزدیک هستند صفات و عادات همسان زیادی دارند. عده‌ای از تحلیلگران عقیده دارند: کسانی که ریشه اجتماعی همگونی ندارند، روابطشان کم دوام‌تر و آسیب‌پذیرتر است، زیرا هر طبقه دارای فرهنگ طبقاتی خاصی است که در درون آن رفتار انسان‌ها شکلی خاص می‌یابد و افراد دارای خلق و خوی و آداب و عادات ویژه‌ای می‌گردند و این امر می‌تواند باعث ایجاد اختلاف بین زوجین گردد. تحقیقات جیمز بوسارد،^۱ آلن ژیرارو کندی^۱ شاهدی

۱. Bossard

بر این ادعاست (ساروخانی، ۱۳۷۰ ب: ۴۵).

میزان پایبندی افراد به اعتقادات دینی و مذهبی، حتی یک دین و مسلک مشترک، در سرنوشت زندگی آنان تأثیر دارد. بدیهی است که ازدواج فردی که به شدت به اعتقادات مذهبی پایبند است با فردی که به دین و مذهب پایبندی زیادی ندارد، می‌تواند مرکز بروز کشمکش‌هایی شود که بطور جدی زندگی مشترک را با خطر روبرو سازد. تناسب عقاید مذهبی دو نفر در نزدیک کردن آنها به یکدیگر و فهم رفتارهای خاص مذهبی یکدیگر و احترام متقابل به این عقاید سبب می‌شود که آن دو نفر راحت‌تر در کنار یکدیگر به روند رفتاری برخاسته از تفکرات مذهبی خود ادامه دهند (عسکری‌فر، ۱۳۸۰: ۱۹۹).

بر اساس مطالعاتی که بر روی ازدواج ناهمسان و همسان از لحاظ مذهبی صورت گرفته، معلوم شده است که بیشتر ازدواج‌های بین مذهبی با شکست روبرو شده‌اند و میزان طلاق در این گونه ازدواج‌ها بیشتر از ازدواج‌های همسان بوده است (شهابی، ۱۳۷۲: ۵۵).

باورهای جنسیتی رندال کالینز اینگونه مطرح می‌شود که بعضی معتقدند که زن باید مطیع محض شوهر باشد و بدون چون و چرا حرف او را بپذیرد، این دیدگاه به دیدگاه سنتی معروف است. در دیدگاه دوم خانواده‌ها معتقدند که زن و مرد باید با هم تصمیمات اصلی و مهم را بگیرند و باید تقسیم کار بین آنها وجود داشته باشد، این دیدگاه، به دیدگاه مساوات طلبانه یا رادیکال معروف است. در دیدگاه سوم یکی از همسران قائل به دیدگاه اول و دیگری معتقد به دومی است. یعنی یکی از آنها خود را، سالار می‌داند و می‌خواهد ریاست و تدبیر امور منزل را به عهده بگیرد ولی دیگری نمی‌تواند استبداد وی را بپذیرد.

اگر زوجین دیدگاه اول و دوم را در زندگی اتخاذ کنند، روابطشان مطلوب است و مشکلی با یکدیگر ندارند (در صورت رعایت همسانی‌های مطرح شده) ولی اگر دیدگاه سوم شامل حال آنها شود، حتی اگر همسانی بین آنها درصد بالایی داشته باشد دچار مشکل شده و نمی‌توانند زندگی سالم و شادی داشته باشند چرا که اختلاف در دیدگاه و باور تأثیر بسیار مهمی در مطلوبیت روابط زوجین دارد (کالینز به نقل از خون چمن، ۱۳۷۷: ۶۸).

مدل و فرضیات تحقیق

۱. هر چه همسان همسری سنی بیشتر شود، مطلوبیت روابط زناشویی هم بیشتر می‌شود.
۲. هر چه همسان همسری تحصیلی بالاتر رود، مطلوبیت روابط زناشویی هم بالاتر می‌رود.
۳. هر چه همسان همسری طبقاتی خانواده‌های زوجین افزایش یابد، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش می‌یابد.
۴. هر چه همسان همسری درآمدی بیشتر باشد، مطلوبیت روابط زناشویی هم بیشتر می‌شود.
۵. هر چه همسان همسری شغلی بیشتر باشد، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش پیدا می‌کند.
۶. هر چه همسان همسری مذهبی بیشتر باشد، مطلوبیت روابط زناشویی هم بیشتر می‌شود.
۷. هر چه همسان همسری جغرافیایی افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش می‌یابد.

رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط ... ۱۰۹

۸. هر چه همسان همسری قومیتی بیشتر باشد، مطلوبیت روابط زناشویی هم بیشتر است.

۹. هر چه همسان همسری باورهای جنسیتی بیشتر باشد، مطلوبیت روابط زناشویی هم بیشتر است.

۱۰. هر چه همسان همسری بیشتر (بصورت عام)، مطلوبیت روابط زناشویی بیشتر.



تعریف نظری و عملیاتی متغیر وابسته و مستقل

میزان مطلوبیت روابط زناشویی :

✓ تعریف نظری متغیر وابسته = از دید میلر^۱ مطلوبیت روابط زناشویی چنین تعریف می‌شود: «الف. توافق زن و شوهر در مورد اموری که ممکن است مسائل حادی به بار آورد؛ ب. علائق و فعالیت‌های مشترک؛ ج. ابراز علاقه علنی مکرر و اعتماد متقابل؛ د. شکوه و شکایت اندک؛ ه. شکایت نادر از احساس تنهایی، سیه‌بختی، رنجش و...» (میلر، ۱۳۸۰: ۵۵۷).

✓ تعریف عملیاتی = در مورد سنجش این متغیر تستی بنام "Marital adjustment" یا سازگاری زناشویی بوسیله جسی برنارد، ژ. هامیلتون، بورگس، کوتزل، ترمان، اورن، ژ. کارلسون، بورگس ووالن، کیرک پاتریک، بلیزر و وینچ^۲ انجام گرفته است، که از آن با کمی دخل و تصرف (انطباق با جامعه خودمان) در این پژوهش استفاده شده است (میشل، ۱۳۴۰: ۱۹۰).

عناصر بکار گرفته شده در این سنجش متغیر عبارتند از: استمرار و دوام ازدواج، خوشبختی، رضایت عمومی در ازدواج، رضایت خاص در بعضی از جنبه‌های زندگی زناشویی، عشق نسبت به همسر، رضایت جنسی، رفاقت و توافق شخصیت‌ها و منش‌ها (همان: ۱۹۱).

میزان همسان همسری:

همسان همسری ازدواج افرادی است که دارای ویژگی‌های مشابه فیزیکی، روانشناختی، اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی هستند (Bhushan, ۱۹۹۲؛ به نقل از عاشوری، ۱۳۷۴: ۱۲۷). در دایره‌المعارف علوم اجتماعی آمده است: "همسان همسری" یا "همسر همسان‌گزینی" در برابر "ناهمسان همسری" به معنای گزینش همسر از بین آنانی است که تشابه یا سنخیت بیشتری با فرد دارند (ساروخانی: ۱۳۷۰ الف).

۱. Miller

۲. J. Bernard, G. Hamilton, Burgess, Cottrell, Terman, Oden, Karlsson, Wallin, Kirkpatrick, Blazzer, R. Winch.

در این تحقیق همسانی همسران (زن و شوهر) از لحاظ ۲ بعد عینی و ذهنی سنجیده می‌شود: در بُعد عینی همسانی‌ها بر مبنای تحصیلات زوجین، ویژگی‌های سنی، خاستگاه جغرافیایی، جایگاه طبقاتی‌شان (خانواده‌های‌شان)، درآمد و منزلت و موقعیت شغلی، و قومیت هر دو نفر مورد نظر است. در بُعد ذهنی هم باورهای جنسیتی و ویژگی‌های مذهبی زوجین مطرح و بررسی می‌شود.

روش تحقیق

در این پژوهش، از روش پیمایش استفاده شد. اطلاعات مورد نیاز از طریق تکمیل پرسشنامه، به سبک مصاحبه حضوری، جمع‌آوری و سپس پردازش شد. جمعیت آماری در این پژوهش عبارت بود از مردان و زنان بیش از هجده سال که ساکن شهر تهران و در زمان تحقیق دارای همسر بوده‌اند. با توجه به این که تحقیق مورد نظر راجع به مطلوبیت روابط زوجین بوده و به اطلاعات هر دو احتیاج بوده است، یکی از جنس‌ها را (زن یا مرد) ملاک قرار داده و بر مبنای آن جنس، اطلاعات راجع به جنس دیگر لحاظ شده و پرسشنامه تکمیل گردیده است.

در این طرح عمدتاً از ترکیب سه شیوه نمونه‌گیری استفاده شده است:

نخست روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای (مطبق) که با توجه به متغیر مستقل دوم تحقیق (طبقات گوناگون) به سه طبقه تقسیم می‌شود، آن گاه از نمونه‌گیری خوشه‌ای، استفاده کردیم و سوم نمونه‌گیری تصادفی ساده که یکی از مصادیق بارز نمونه‌گیری با احتمال برابر است. بدین ترتیب پس از تقسیم‌بندی مناطق تهران (به ۳ منطقه) بر اساس نقشه بلوک بندی (۱۱۰ بلوک) شهر تهران و تفکیکی که هر بلوک را به ۲۴ شبکه [با مقیاس ۱۰۰۰۰ : ۱] تقسیم می‌کند، شهر تهران به ۲۶۴۰ شبکه تقسیم شد. از میان این شبکه‌ها ۲۷ شبکه (تقریباً ۱٪ از کل شبکه‌ها) به طور تصادفی ساده و با رجوع به اصول اعداد تصادفی انتخاب شد.

برای برآورد حجم نمونه از فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده کوکران استفاده شد. با این فرض که توزیع نمونه‌ای نرمال است، ضریب اطمینان قابل قبول، ۹۵٪ در نظر گرفته شد که براین اساس تعداد اشتباه استاندارد لازم برای دستیابی به این ضریب، براساس جدول سطح زیر منحنی نرمال استاندارد، ۱/۹۶ خواهد بود. براساس مقادیر یاد شده و ۵٪ افزایش حجم نمونه برای جبران احتمالی پرسشنامه‌های ناقص، حجم جمعیت نمونه ۴۰۵ نفر بدست می‌آید که برای هر طبقه ۱۳۵ پرسشنامه منظور می‌گردد. در این تحقیق به منظور دستیابی به روایی^۱ در طراحی گویه‌ها از پرسش‌های آزمون شده در مطالعات پیشین و مجلات علمی معتبر بهره گرفته شد و هر گویه توسط داوران ارزیابی شد. در بحث پایایی^۲ از شیوه بررسی همسازي^۳ استفاده شد (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۲-۲۵۳). در این راستا ضریب آلفای^۴ به دست آمده حکایت از رضایت بخش بودن پایایی مقیاس‌های تحقیق دارد.

یافته‌های پژوهش

• یافته‌های توصیفی

از مجموع ۴۵۰ زوج، ۲۶۹ زوج دارای همسانی سنی "زیاد" و "بسیار زیاد" بوده‌اند که بیانگر این است که ۶۶/۴٪ جمعیت نمونه دارای همسانی سنی هستند، در مقابل ۴۷ زوج (فقط ۱۲/۱٪) همسانی "کم" و "بسیار کمی" داشته‌اند، که مبین این است که بیشتر از ۶۰٪ افراد جامعه همسان همسری سنی را رعایت کرده‌اند. در مورد همسان همسری تحصیلی نیز، ۳۶۷ زوج یعنی ۹۰/۶٪ جامعه آماری در انتخاب همسرشان این نوع همسانی را رعایت کرده‌اند، در مقابل فقط ۳ زوج

۱. validity

۲. reliability

۳. consistency

























۴. ضریب آلفا برای مقیاس همسانی سنی و مذهبی ۰/۸۵، همسانی جغرافیایی، باورهای جنسیتی، تحصیلی و قومیتی ۰/۸۴ و همسانی شغلی ۰/۹۱ است.












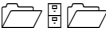




(۰/۷٪) همسانی تحصیلی پایینی داشته‌اند که نشانگر این است که افراد جامعه (آماری) این نوع همسانی را، بصورت بسیار بالایی ملاک انتخاب خود در تشکیل زندگی قرار داده‌اند. چیزی حدود ۸۰٪ زوجین همسانی مذهبی بالایی دارند که در طرف دیگر طیف فقط ۱۳/۶٪ زوجینی قرار می‌گیرند که فاقد این نوع همسانی هستند. در مورد همسانی طبقاتی نیز ۹۳/۱٪ زوجین آن را لحاظ کرده و مدنظر قرار داده‌اند. یعنی خانواده‌های زوجین از لحاظ برخورداری از امکانات زندگی مانند: درآمد، شغل، مدرک تحصیلی، منطقه محل سکونت، نوع مالکیت مسکن و متراژ آن، تقریباً در یک رده قرار دارند. فقط ۱/۲٪ همسانی طبقاتی را رعایت نکرده‌اند که اختلاف فاحش بین این ۲ درصد (۹۲٪) مبین اهمیت و تأثیر بالای این نوع همسانی در انتخاب شریک زندگی است. ۵۱/۳٪ زوجین همسانی شغلی بالایی داشته‌اند و در مقابل ۳۷/۲٪ فاقد این نوع همسانی هستند، که اختلاف درصدی پایین این متغیر (در مقایسه با سایر متغیرها) ناشی از خانه دار بودن و عدم اشتغال خانم‌هاست. ۳۳/۱٪ زوجین دارای همسانی درآمدی بالایی هستند که در مقابل ۴۷/۲٪ فاقد این نوع همسانی‌اند. پس تقریباً نزدیک به نیمی از زوجین فاقد این نوع همسانی هستند. ۸۹/۱٪ از زوجین دارای همسانی سکونتی بالایی هستند که در مقابل فقط ۵/۵٪ فاقد این نوع همسانی هستند و این خود بیانگر این مطلب است که افراد در انتخاب همسر خود همسانی محل سکونت را مدنظر قرار داده‌اند. ۸۴/۴٪ از زوجین دارای همسانی قومیتی هستند و در مقابل فقط ۱۵/۶٪ از زوجین این نوع همسانی را رعایت نکرده‌اند. ۶۳٪ از زوجین باورهای جنسیتی شان را همسان پنداشته‌اند و ۱۲/۶٪ از آنان معتقدند این نوع همسانی در موردشان صادق نیست.

میزان همسان همسری (گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد) در بین طبقات (به ترتیب اولویت) به شرح ذیل است:

طبقه پایین ۸۷/۴٪، طبقه متوسط ۸۵/۹٪ و طبقه بالا ۷۸/۱٪.

جدول ۱- توزیع جمعیت نمونه بر حسب همسان همسری (بطور کلی) در بین طبقات سه گانه اجتماعی - اقتصادی

جمع	طبقه اجتماعی فرد			میزان همسان همسری	
	بالا	متوسط	پایین	تعداد	درصد
				۱	۱۰۰٪
				۱	۱۰۰٪
				۱	۱۰۰٪
				۱	۱۰۰٪
				۱	۱۰۰٪
				۱	۱۰۰٪

				توز ی	
				تعدا د	بسیار زیاد
				در صد سه توز ی	
				تعدا د	جمع
				در صد سه توز ی	

مطلوبیت روابط زناشویی (گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد) ابتدا در طبقه پایین (۸۴/۷٪)، سپس طبقه متوسط (۷۹/۶٪) و در آخر طبقه بالا (۷۳/۶٪) دارای بیشترین فراوانی است.

جدول ۲- توزیع جمعیت نمونه بر حسب میزان مطلوبیت روابط زناشویی در بین طبقات سه گانه اجتماعی - اقتصادی

جمع	مطلوبیت روابط زناشویی					طبقه اجتماعی فرد	
	بسیار زیاد	زیاد	تاحدود ی	کم	خیلی کم م	تعداد	پایه
						تعداد	پایه
						درصد	پایه
						درصد	پایه
						درصد	پایه
						درصد	پایه
						تعداد	متوسط
						درصد	متوسط
						درصد	متوسط
						تعداد	بالا
						درصد	بالا

						در	
						ص	
						د	
						رد	
						ی	
						فی	
						جمع	
						تد	
						داد	
						در	
						ص	
						د	
						رد	
						ی	
						فی	

- ۱- همسان همسری سنی: طبقه پایین ۷۲٪ - طبقه متوسط ۶۶٪ - طبقه بالا ۶۲٪
- ۲- همسان همسری تحصیلی: طبقه پایین ۹۳٪ - طبقه متوسط ۹۰٪ - طبقه بالا ۸۷٪
- ۳- همسان همسری مذهبی: طبقه پایین ۸۲٪ - طبقه متوسط ۷۹٪ - طبقه بالا ۷۷٪
- ۴- همسان همسری طبقاتی: طبقه بالا و پایین ۹۵٪ - طبقه متوسط ۹۲٪
- ۵- همسان همسری شغلی: طبقه متوسط ۶۳٪ - طبقه بالا ۵۷٪ - طبقه پایین ۳۸٪
- ۶- همسان همسری درآمدی: طبقه بالا ۵۴٪ - طبقه متوسط ۴۵٪ - طبقه پایین ۷٪
- ۷- همسان همسری جغرافیایی: طبقه پایین ۹۲٪ - طبقه متوسط ۹۰٪ - طبقه بالا ۸۵٪
- ۸- همسان همسری قومیتی: طبقه متوسط ۸۶٪ - طبقه پایین ۸۴٪ - طبقه بالا ۸۳٪

۹- همسان همسری باورهای جنسیتی: طبقه متوسط ۶۶٪ - طبقه بالا ۶۴٪ - طبقه پایین ۵۸٪

در مجموع طبقه بالا دارای بیشترین همسانی طبقاتی و درآمدی است، طبقه متوسط دارای همسانی‌های تحصیلی، شغلی، قومیتی و باورهای جنسیتی است و طبقه پایین نیز همسانی‌های سنی، مذهبی، طبقاتی، و سکونت را بیشتر رعایت کرده است.

یافته‌های تبیینی:

فرضیه شماره ۱ (همسان همسری سنی): با $Sig \leq .000$ و $.99/9$ اطمینان مورد قبول واقع شد، به این معنی که هرچه همسان همسری سنی افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه شماره ۲ (همسان همسری تحصیلی): با $.99/9$ اطمینان تأیید می‌شود یعنی هرچه همسان همسری تحصیلی افزایش پیدا کند مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش می‌یابد. $.97/3$ زوجینی که از لحاظ تحصیلات همسان یکدیگر بودند، دارای مطلوبیت روابط زناشویی بالایی هستند.

فرضیه شماره ۳ (همسان همسری مذهبی): تمام آزمون‌های آماری رأی به وجود رابطه مستقیم و مثبت همسان همسری مذهبی و مطلوبیت روابط زناشویی می‌دهند ($Sig \leq .000$). پس هرچه همسان همسری مذهبی بیشتر شود، مطلوبیت رابطه زناشویی هم بیشتر می‌شود.

فرضیه شماره ۴ (همسان همسری طبقاتی): $.99$ زوجینی که این نوع همسانی را در انتخاب شریک زندگی شان لحاظ کرده‌اند، میزان مطلوبیت رابطه شان را نیز بالا ارزیابی نموده‌اند. پس این فرضیه نیز تأیید می‌شود بدین صورت که با افزایش یکی دیگری نیز افزایش می‌یابد (همین طور کاهش یکی، کاهش دیگری را دنبال دارد).

فرضیه شماره ۵ (همسان همسری شغلی): با $Sig \leq .003$ و $99/7\%$ اطمینان مورد پذیرش قرار گرفت، پس در صورتیکه همسانی شغلی زوجین بالا باشد، مطلوبیت روابط شان افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه شماره ۶ (همسان همسری درآمدی): با $Sig \leq .200$ و 95% اطمینان رد می‌شود، به این معنا که با بالا رفتن همسانی درآمدی زوجین، مطلوبیت روابط زناشویی شان لزوماً افزایش پیدا نمی‌کند.

فرضیه شماره ۷ (همسان همسری جغرافیایی): با $99/9\%$ اطمینان تأیید می‌شود پس هرچه همسان همسری جغرافیایی افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه شماره ۸ (همسان همسری قومیتی): رابطه بسیار قوی و معناداری ($Sig \leq .000$ و $99/9\%$ اطمینان) با مطلوبیت روابط زناشویی دارد و هرچه این نوع همسانی بالاتر رود، مطلوبیت روابط نیز بیشتر می‌شود.

فرضیه شماره ۹ (همسانی باورهای جنسیتی): 100% زوجینی که دارای همسانی باورهای جنسیتی بالایی هستند، از مطلوبیت روابط زناشویی بالایی نیز برخوردارند. این فرضیه نیز با $99/9\%$ اطمینان تأیید شده به این معنا که با افزایش یکی دیگری نیز افزایش پیدا می‌کند.

فرضیه شماره ۱۰ (همسان همسری): در آخر همسان همسری نیز با $Sig \leq .000$ و سطح معناداری $99/9\%$ اطمینان مورد پذیرش قرار می‌گیرد. پس هرچه همسان همسری افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی نیز افزایش پیدا می‌کند.

R بدست آمده برابر است با $0/826$ ، ضریب تعیین (R^2) نیز $0/682$ و ضریب تعیین تصحیح شده (Adjusted R Square) نیز $0/675$ است. طبق نتایج بدست آمده 68% واریانس متغیر وابسته (میزان مطلوبیت روابط زناشویی) توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود؛ 32% باقیمانده نیز توسط عواملی است که در اینجا لحاظ نشده است ولی تأثیر گزار بوده‌اند. صورت کلی معادله رگرسیونی:

$$Y = A + B_1X_1 + B_2X_2 + B_3X_3 + B_4X_4 + B_5X_5 + B_6X_6 + B_7X_7 + B_8X_8 + B_9X_9$$

معادله رگرسیونی تحقیق:

$$Y = 0.201 + 0.091X_1 + 0.088X_2 + 0.299X_3 + 0.102X_4 + 0.020X_5 + 0.101X_6 - 0.044X_7 + 0.391X_8 + 0.397X_9$$

Y = میزان مطلوبیت روابط زناشویی

a = مقدار ثابت یا عرض از مبدأ نقطه تقاطع خط رگرسیون با محور Y

X_1 = همسان همسری سنی X_2 = همسان همسری تحصیلی

X_3 = همسان همسری مذهبی X_4 = همسان همسری طبقاتی X_5 = همسان همسری

شغلی X_6 = همسان همسری درآمدی X_7 = همسان همسری سکونتی X_8 = همسان

همسری قومیتی X_9 = همسان همسری باورهای جنسیتی

جدول ۳- توزیع جمعیت نمونه بر حسب همسان همسری (بطور کل) و تأثیر آن بر میزان

مطلوبیت روابط زناشویی

جمع	مطلوبیت روابط زناشویی					میزان همسان همسری				
	بسیار زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	بسیار کم	تعداد	کم	میزان		
						دا				
						درصد				
						در				

<p>ب س یاری زیاد</p>	در ص د س تو نی						
	ت د						
	در ص د ر د ف ی						
	در ص د س تو نی						
	ت د						
	در ص د ر د ف						
جمع							

						ی
						در
						ص
						د
						س
						تو
						نی

تا این مرحله، تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق به صورت یک جا و بطور همزمان بر روی "میزان مطلوبیت روابط زناشویی بررسی شد، اما تقریباً همیشه لازم است که تأثیرات فردی متغیرهای مستقل نیز در کنار تأثیرات جمعی آنها مورد مطالعه قرار گیرد. بدین منظور باید از همبستگی های تفکیکی^۱ و نیمه تفکیکی^۲ بهره جست تا از این طریق بتوان بطور مجزا به نقش یکایک متغیرهای مستقل واقف شد. همبستگی^۳ به معنای هم تغییری دو متغیر است اما در تحلیل رگرسیون چند متغیره این معنا از همبستگی برداشت نمی شود بلکه با حفظ همین اصل، همبستگی تمام متغیرهای مستقل (بصورت برآیند) با متغیر وابسته مراد می باشد که آن را با (R) نشان می دهند. در این تحقیق این مقدار، ۰/۸۲۶ محاسبه شده است که در واقع از برآیند ۱۰ متغیر مستقل (همسان همسری سنی، همسان همسری تحصیلی، همسان همسری مذهبی، همسان همسری طبقاتی، همسان همسری شغلی، همسان همسری درآمدی، همسان همسری سکونت، همسان همسری قومیتی، همسانی باورهای جنسیتی و همسان همسری بصورت عام) با متغیر وابسته (مطلوبیت روابط زناشویی)، به شیوه رگرسیونی بدست آمده است.

۱. partial correlation
 ۲. semi partial correlation
 ۳. Correlation

البته تحلیل بر مقدار R استوار نخواهد بود بلکه مجذور آن (R^2) است که در این امر ما را یاری می‌رساند و آن را ضریب تعیین^۱ می‌خوانند. محاسبات صورت گرفته در این تحقیق، $R^2=0/682$ را گزارش نموده است. این کمیت نشان می‌دهد که در این پژوهش، بیش از نیمی از واریانس مطلوبیت روابط زناشویی توسط متغیرهای مستقل تحقیق (۱۰ متغیر) بحساب آمده است و یا به عبارت دیگر، مقدار قابل ملاحظه‌ای از میزان مطلوبیت روابط زناشویی، توسط متغیرهای مستقل تحقیق تبیین شده‌اند. یعنی ۶۸٪ تغییرات میزان مطلوبیت روابط زناشویی، ناشی از رابطه بین یک ترکیب خطی از متغیرهای مستقل (همسان همسری سنی، همسان همسری تحصیلی و...) و متغیر وابسته (میزان مطلوبیت روابط زناشویی) است و ۳۲٪ باقیمانده (ضریب عدم تبیین) ناشی از سایر عواملی است که در این تحقیق منظور نشده‌اند. آزمون F نیز که معنادار بودن R^2 را به لحاظ آماری نشان می‌دهد در سطح بسیار بالایی ($p < 0/000$) معنادار گزارش شده است و به ما می‌گوید که رگرسیون Y (متغیر وابسته) بر X ها (متغیرهای مستقل) به لحاظ آماری معنادار است. یعنی رابطه موجود نمی‌تواند تصادفی پیش آمده باشد و این خود حکایت از صحت این رابطه در جمعیت آماری دارد.

۱. Coefficient of determination

ان										
همس										
ری										

نتیجه گیری

این پژوهش با هدف اصلی تأثیر همسان همسری بر مطلوبیت روابط زناشویی در میان طبقات گوناگون، آغاز گردید و در این راستا این سوال اساسی مطرح شد که "آیا همسان همسری (انتخاب همسر بر مبنای تشابهات و همسانی‌ها) بر مطلوبیت روابط زناشویی تأثیر دارد یا خیر؟"

در این تحقیق ابتدا نظریه‌هایی که عمدتاً بر روی همسان همسری تمرکز یافته‌اند مطرح شدند. برای همسان همسری سنی از نظریه کارلسون، همسان همسری تحصیلی از نظریه فرانسوا دوسینگلی، همسان همسری مذهبی از نظریه‌های "بوسار" و "بل"، همسان همسری بر مبنای جایگاه طبقاتی خانواده زوجین از نظریه گرینبلت، همسان همسری شغلی از نظریه کالینز، همسان همسری درآمدی از نظریه مبادله، همسان همسری جغرافیایی از نظریه بوسارد، همسان همسری قومی از نظریه بوچانان و همسان همسری بر مبنای باورهای جنسیتی از نظریه کالینز استفاده شده است. در این زمینه با توجه به آرای هر یک از متفکران یاد شده تایید همسان همسری، در انواع گوناگون آن، بر مطلوبیت روابط زناشویی، مورد بحث قرار گرفت. سپس مدلی نظری و آزمایشی ارائه گردید که راهنمای سایر مراحل پژوهش قرار گرفت و در نهایت مورد آزمون قرار گرفت تا توان آن در برابر تلاش به منظور ابطال ارزیابی شود و در صورت لزوم جرح و تعدیل گردد. بدین منظور فرضیه‌هایی از مدل نظری یاد شده استخراج گردید.

یافته‌های توصیفی:

۱- همسان همسری سنی: در مجموع ۲۶۹ زوج دارای همسانی سنی "زیاد" و "بسیار زیاد" بوده‌اند که بیانگر این است که ۶۶/۴٪ جمعیت نمونه دارای همسانی سنی هستند، در مقابل ۴۷٪ زوج (فقط ۱۲/۱٪) همسانی "کم" و "بسیار کمی" داشته‌اند، که مبین این است که بیشتر از ۶۰٪ افراد جامعه همسان همسری سنی را رعایت می‌کنند.

۲- همسان همسری تحصیلی: در مورد همسان همسری تحصیلی نیز، ۳۶۷ زوج یعنی ۹۰/۶٪ جامعه آماری در انتخاب همسرشان این نوع همسانی را رعایت کرده‌اند (با احتساب درصدهای همسانی "زیاد" و "بسیار زیاد")، در مقابل فقط ۳٪ زوج (۰/۷٪) همسانی تحصیلی پایینی داشته‌اند.

۳- همسان همسری مذهبی: چیزی حدود ۸۰٪ زوجین همسانی مذهبی بالایی دارند که در طرف دیگر طیف فقط ۱۳/۶٪ زوجینی قرار می‌گیرند که فاقد این نوع همسانی هستند.

۴- همسان همسری طبقاتی: در مورد همسانی طبقاتی نیز ۹۳/۱٪ زوجین آن را لحاظ کرده و مدنظر قرار داده‌اند. فقط ۱/۲٪ همسانی طبقاتی را رعایت نکرده‌اند که (۹۳/۱٪) مبین اهمیت و تأثیر بالای این نوع همسانی در انتخاب شریک زندگی است.

۵- همسان همسری شغلی: ۵۱/۳٪ زوجین همسانی شغلی بالایی داشته‌اند و در مقابل ۳۷/۲٪ فاقد این نوع همسانی هستند. که اختلاف درصدی پایین این متغیر (در مقایسه با سایر متغیرها) ناشی از خانه دار بودن و عدم اشتغال خانم‌هاست.

۶- همسان همسری درآمدی: ۳۳/۱٪ زوجین دارای همسانی درآمدی بالایی هستند که در مقابل ۴۷/۲٪ فاقد این نوع همسانی اند. پس تقریباً نزدیک به نیمی از زوجین فاقد این نوع همسانی هستند.

۷- همسان همسری جغرافیایی: ۸۹/۱٪ (۳۶۱ زوج) از زوجین دارای همسانی جغرافیایی بالایی هستند که در مقابل فقط ۵/۵٪ فاقد این نوع همسانی هستند و این خود بیانگر این مطلب است که افراد در انتخاب همسر خود همسانی محل سکونت را مدنظر قرار می‌دهند.

- ۸- همسان همسری قومیتی: ۳۴۲ زوج (۸۴/۴٪) دارای همسانی قومیتی هستند و در مقابل فقط ۶۳ زوج (۱۵/۶٪) این نوع همسانی را رعایت نکرده‌اند.
- ۹- همسان همسری باورهای جنسیتی: ۶۳٪ از زوجین باورهای جنسیتی شان را همسان پنداشته‌اند و ۱۲/۶٪ از آنان معتقدند این نوع همسانی در موردشان صادق نیست.

یافته‌های تبیینی و نظری

۱- همسان همسری سنی: همسانی سنی از نظریه کارلسون استفاده شده است. به این صورت که چون انتظارات و شیوه نگرش افراد در سنین گوناگون فرق می‌کند، پس تفاوت وسیع سنی با خود تفاوت‌های وسیع فرهنگ و جهان بینی را به همراه خواهد آورد. این فرضیه با $Sig \leq .000$ و ۹۹/۹٪ اطمینان مورد قبول واقع شد، به این معنی که هرچه همسان همسری سنی افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش پیدا می‌کند.

۲- همسان همسری تحصیلی: همسانی تحصیلی با نظریه فرانسوا دوسینگلی عجین شده است، معمولاً تفاهم در برنامه ریزی و تصمیم گیری ها و داشتن رابطه کلامی قابل فهم متقابل و حتی رابطه غیر کلامی، ارتباط مستقیم با میزان تحصیلات دونفر دارد. ۹۷/۳٪ زوجینی که از لحاظ تحصیلات همسان یکدیگر بودند، دارای مطلوبیت روابط زناشویی بالایی هستند. این فرضیه با ۹۹/۹٪ اطمینان تأیید می‌شود، یعنی هرچه همسان همسری تحصیلی افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش می‌یابد.

۳- همسان همسری مذهبی: همسانی مذهبی با نظریه‌های "بوسار" و "بل" شناخته شده است. آنها معتقدند که اختلاف در مذهب زوجین منجر به دشواری های شخصی و خانوادگی می‌شود و با گذشت زمان خود را بیشتر نشان می‌دهد. این فرضیه

با ۹۹/۹٪ اطمینان تایید می‌شود ($Sig \leq .000$). پس هرچه همسان همسری مذهبی بیشتر شود، مطلوبیت رابطه زناشویی هم بیشتر می‌شود.

۴- همسان همسری طبقاتی: گرینبلت در همسان همسری بر مبنای جایگاه طبقاتی خانواده زوجین معتقد است که طبقه عاملی است که حدود انتخاب همسر را به میزان زیادی تعیین می‌کند. زیرا هر طبقه دارای فرهنگ طبقاتی خاصی است که در درون آن رفتار انسان‌ها شکلی خاص می‌یابد و افراد دارای خلق و خوی و آداب و عادات ویژه‌ای می‌گردند و این امر می‌تواند باعث ایجاد اختلاف بین زوجین گردد. این فرضیه با ۹۹٪ اطمینان تایید می‌شود بدین صورت که هرچه همسان همسری طبقاتی افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش می‌یابد.

۵- همسان همسری شغلی: از نظر کالینز هنگامی که در بازار کار با شرایط برابر مواجه باشیم، زنان می‌توانند از سایر منابع مثل زمینه خانوادگی دانش، مهارت‌های اجتماعی یا حرفه‌ای و مالکیت برای چانه زنی برسر منزلت پاداش‌های اقتصادی- اجتماعی استفاده کنند. همسان همسری شغلی نیز با $Sig \leq .003$ و ۹۹/۷٪ اطمینان مورد پذیرش قرار گرفت، پس در صورتی که همسانی شغلی زوجین بالا باشد، مطلوبیت روابط شان افزایش پیدا می‌کند.

۶- همسان همسری درآمدی: نظریه مبادله قائل به همسانی درآمد بین زوجین است. در صورتی که زن شاغل باشد و درآمد کسب کند، نقش اقتصادی همگونی را در خانواده خواهد داشت و نتیجه آن است که درآمد زن موجب کاهش قدرت شوهر و برابری زوجین در تصمیم‌گیری‌هاست. این فرضیه با ۹۵٪ اطمینان رد شد پس همسان همسری درآمدی تأثیری بر مطلوبیت روابط زناشویی نمی‌گذارد. به نظر می‌رسد علت این باشد که در صورتی که زن درآمد کسب کند، خواهان امتیاز و برتری در سایر زمینه‌هاست و براحتمال با همسرش کنار نمی‌آید و برای خود حق و حقوقی قائل است که در صورتی که این امتیازات به وی داده نشود، دچار یأس و سرخوردگی شده با همسرش مشکل پیدا می‌کند. پس همانطور که دیده شد همسانی سطح درآمد زوجین

منجر به مطلوبیت روابط آنها نمی شود، حتی در مواردی منجر به اختلاف و دلخوری هم می شود (ضریب منفی در شیب خط نیز حکایت از معکوس بودن روابط بین این دو دارد، یعنی با وجود یکی دیگری کمرنگ می گردد).

۷- همسان همسری جغرافیائی: "بوسارد" عنوان می کند که افراد تمایل دارند همسرشان را از میان کسانی انتخاب کنند که به لحاظ جغرافیایی در دسترس باشند. فاصله مکانی امکان آشنایی و دیدار افراد را فراهم می کند. همسان همسری جغرافیایی با ۹۹/۹٪ اطمینان تأیید می شود پس هرچه همسان همسری جغرافیایی افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی هم افزایش پیدا می کند.

۸- همسان همسری قومیتی: دو زوج متعلق به یک قوم یکسانند، چون هر قوم آداب و رسوم و عرف مخصوص به خود را دارد و تفاوت در قومیت منجر به اختلاف نظر شدید شده، آرامش و صمیمیت موجود در خانه را از بین می برد. همسان همسری قومیتی نیز رابطه بسیار قوی و معناداری ($Sig \leq .000$ و ۹۹/۹٪ اطمینان) با مطلوبیت روابط زناشویی دارد و هرچه این نوع همسانی بالاتر رود، مطلوبیت روابط نیز بیشتر می شود.

۹- همسان همسری باورهای جنسیتی: کالینز قائل به همسانی بر مبنای باورهای جنسیتی است، یعنی اگر زوجین هر دو قائل به دیدگاه سنتی یا رادیکال باشند، با مشکل مواجه نمی شوند، ولی اگر یکی مساوات طلب و دیگری قائل به برتری جنسیتی خود باشد دچار مشکل می شوند. ۱۰۰٪ زوجینی که دارای همسانی باورهای جنسیتی بالایی هستند، از مطلوبیت روابط زناشویی بالایی نیز برخوردارند. این فرضیه نیز با ۹۹/۹٪ اطمینان تأیید شده به این معنا که با افزایش یکی، دیگری نیز افزایش پیدا می کند.

۱۰- همسان همسری: همسان همسری با $Sig \leq .000$ و سطح معناداری ۹۹/۹٪ اطمینان مورد پذیرش قرار می گیرد. پس هرچه همسان همسری افزایش پیدا کند، مطلوبیت روابط زناشویی نیز افزایش پیدا می کند.

در نتیجه رمز خوشبختی زوجین در نحوه‌گزینش همسر است و زن و شوهری که همسانی‌های سنی، مذهبی، تحصیلی، شغلی، طبقاتی، جغرافیایی، قومیتی و باورهای جنسیتی را در انتخاب یکدیگر مدنظر قرار دهند، زندگی شان قرین سعادت و خوشبختی خواهد بود.

تفاوت‌های زندگی پیش از ازدواج مثل تفاوت زادگاه و محل پرورش، تفاوت دیدگاه و باور جنسیتی، تفاوت امکانات و طبقه خانواده‌ها، اختلاف سن، اختلاف سطح تحصیلات، اختلاف قومی و نژادی، اختلاف در نوع و مرتبه شغلی و اختلاف مذهبی زمینه‌ای مساعد برای کشمکش و تضاد بین زوجین می‌باشند.

شناخت و تبیین یک پدیده اجتماعی، مهمترین فعالیتی است که یک پژوهشگر به انجام می‌رساند و وقتی راه توصیه پیش گرفته می‌شود در واقع محقق از دایره شناسایی خارج شده و مسئولیت حرفه‌ای و علمی را به کناری می‌نهد. در چنین حالتی فرد پژوهشگر، نه به عنوان یک محقق بلکه به عنوان یک مصلح و برنامه‌ریز وارد عمل می‌شود. از این رو، جای دارد که نگارنده نیز از فضای شناسایی تحقیق فاصله گرفته و به ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود جامعه‌ای که بدان تعلق دارد اقدام ورزد:

۱. برگزاری کارگاه‌های آموزشی مهارت‌های ارتباطی و حل مسأله برای

خانواده‌ها و فرزندان‌شان

۲. هر چه همسان همسری بیشتر، مطلوبیت روابط زناشویی بیشتر، پس توصیه

می‌شود جوانان در انتخاب همسر به همسانی‌ها و همانندی‌ها توجه بیشتری مبذول دارند.

۳. ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌هایی که دچار اختلاف خانوادگی هستند

(از طرف سازمان‌های ذی ربط).

۴. در مجموع آنچه که تبلیغ می‌شود ازدواج است اما این که چه کسی با چه

کسی ازدواج کند کمتر ترویج می‌شود. لازم است که رسانه‌ها در جهت آگاهی دادن به

اقتدار گوناگون جامعه در جهت رعایت اصل همگونی و همسان همسری و هم کفو بودن اهمیت بیشتری بدهند. در واقع همسان همسری در سطح نظری باقی مانده است و در سطح علمی ترویج و اشاعه آن در سطح جامعه می‌تواند دوام و بقای خانواده را با آگاهی طرفین تضمین نماید.

منابع

- افروز، غلامعلی. (۱۳۸۰)، *مبانی روانشناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی*، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ.
- بی، ارل. (۱۳۸۱)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه: رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- بهنود، مهسان. (۱۳۸۲)، "بررسی عوامل موثر بر نوع روابط همسران در خانواده مورد: شهر تهران"، *پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*.
- تأمین، ملوین. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی*، ترجمه: عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
- حسینی (بیرجندی)، سید مهدی. (۱۳۸۱)، *خانواده درمانی و مشاوره ازدواج و زناشویی*، تهران: انتشارات اساطیر.
- خون چمن، علی. (۱۳۷۷)، "اثرات طبقه اجتماعی خانواده بر سازگاری زناشویی"، *پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*.
- ذکایی، محمد سعید. (۱۳۸۱)، "نظریه و روش در تحقیقات کیفی"، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۷.

- رضازاده، محمدرضا. (۱۳۸۱)، "رابطه سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های ارتباطی با همسازی زناشویی در دانشجویان"، **پایان نامه دکتری** روانشناسی دانشگاه تربیت مدرس.
- ریزمن، لئوناردو؛ مارمانوف، انگوتیا. (۱۳۸۳)، **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی (کلاسیک و مدرن)**، ترجمه: محمدرقی پور، مشهد: نشر مرنديز.
- زنجانی طیبی، ابوالحسن. (۱۳۷۹)، "بررسی تأثیر معیارهای همسرگزینی بر رضایت از زندگی خانوادگی"، **پایان نامه کارشناسی ارشد** مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۱ الف)، **درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی**، تهران: انتشارات کیهان.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰ ب)، **مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده**، تهران: انتشارات سروش.
- سگالن، مارتین. (۱۳۷۰)، **جامعه‌شناسی تاریخی خانواده**، ترجمه: حمید الیاسی، تهران: نشر مرکز.
- سیاوش شاه عنایتی. (۱۳۸۸)، **عاطفه؛ "بررسی رضایت از زندگی زناشویی در زوجین جوان تهرانی و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن"**، **پایان نامه کارشناسی ارشد** برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- شهابی، محمود. (۱۳۷۲)، **مجله زنان**، شماره ۹، سال ۲.
- صادقی، سعید. (۱۳۸۰)، "بررسی عوامل شخصیتی موثر در سازگاری زناشویی"، **پایان نامه کارشناسی ارشد** انستیتو روان پزشکی تهران.

رابطه همسان همسری و مطلوبیت روابط ... ۱۳۵

- عاشوری، الهه. (۱۳۷۴)، "پایگاه اجتماعی و انتخاب همسر (تحقیقی در بین زنان متأهل و شاغل مدارس دخترانه و مهدکودک‌های منطقه ۱۲ تهران)"، **پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران**.

- عسگری فر، حسین. (۱۳۸۰)، **نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی، طلاق**، تهران: انتشارات کفتگو.

- کرلینجر، فرد؛ پدهاوزر، الازار. (۱۳۸۴)، **رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری**، ترجمه: حسن سرایی، تهران: انتشارات سمت.

- کوکرین، ریموند. (۱۳۷۶)، **مبانی اجتماعی بیماری‌های روانی**، ترجمه: بهمن نجاریان و فرد براتی سده، تهران: انتشارات رشد.

- گرت، استفانی. (۱۳۸۰)، **جامعه‌شناسی جنسیت**، ترجمه: کتابیون بقایی، تهران: انتشارات نشر دیگر، چاپ اول.

- لیپست، سیمور مارتین و دیگران. (۱۳۸۱)، **جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی**، ترجمه: جواد افشار کهن، تهران: انتشارات نیکا.

- ملازاده، جواد. (۱۳۸۱)، "رابطه سازگاری زناشویی با عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای در فرزندان شاهد"، **پایان نامه دکتری روانشناسی تربیت مدرس**.

- مور، استفن با همکاری استفن پ. سینکلر. (۱۳۷۶)، **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی**، ترجمه: مرتضی ثابت فر، تهران: انتشارات ققنوس.

- میشل، آندره. (۱۳۴۰)، **جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج**، ترجمه: فرنگیس اردلان، تهران: چاپ اول.

- میلر، دلبرت. (۱۳۸۰)، **راهنمایی بخش و تحقیقات اجتماعی**، ترجمه: هوشنگ نایی، تهران: نشرنی.

- مینوچین، سالوادور. (۱۳۷۵)، **خانواده و خانواده‌های درمانی**، ترجمه: باقر ثنائی، تهران: انتشارات امیر کبیر.

- نجمیاس، دیوید؛ فرانکفورد، چاوا. (۱۳۸۱)، **روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی**، مترجمان: فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، با مقدمه‌ای از باقر ساروخانی، تهران: انتشارات سروش.
- Bell, Robert. (۱۹۷۰). "**R:Studies in marriage and the family Thomas**".
y.crowell compony.inc.
- Bhargava, Gura. (۱۹۸۳). "**Intra-Professional Marriage: Mate Choices of Medical Students in India**". Social science and Medicine. Vol.۱۷.
NO.۱.
- Blood ,Robert.o. (۱۹۷۲). "**The family**". New york: The Free Press.
- Booth, A and D.R Johnson. (۱۹۸۴). "**Woman, Outside Employment, and Marital Instability**". AMERICAN Journal of Sociology, vol.۹۰,
NO.۳.
- Collins, Randal. (۱۹۷۵). "**Conflict Sociology. Toward an explanatory Science**". Newyork Academic Press. Inc.
- Collins, Randal. (۱۹۸۶). "**On The Microfundation of Macro sociology**". American Journal of Sociology , Vol.۸۶, NO.۵.
- Eliss ,Albert. (۱۹۸۹). "**Rational-Emotional couples therapy**". New
york.

- Greenblat, Cathy. (۱۹۷۷). **S: The marriage game**, New York, Random House, Inc.
- Haller, Max. (۱۹۸۱). "**Marriage, Women and Social Stratification**".
American Journal of Sociology, vol.۸۶, NO.۴.
- Lenski, G. (۱۹۶۶). **Power and Privilege: A Theory of Social Stratification**. New York: McGraw-Hill.
- Matras, Judah. (۱۹۸۴). **Social Inequality, Stratification and Mobility**;
Prentice Hall. ۷th T.
- Miller, CD. (۱۹۹۱). **Hand book of research Design and Social measurement**, stage publication, India, New Dehli.
- Olson, David. (۱۹۸۹). **Families. California**. Sage publication.
- Schoen, Robert and Wooldredge, John. (۱۹۹۱). "Marriage Choices in North Carolina and South Carolina, Scott, J., "Sociodemographic Differentials in Mate Selection Preferences" . **Journal of Marriage and The Family**. vol.۵۳, NO.۴.
- Turner, J.T. (۱۹۸۶). "**The structure of Sociological Theory**", New York . The Dorsey Press, ۲th Edition.
- Waller (W). (۱۹۳۰). **The old love and the new divorce and readjustment**, New York Liveright.